

توبه پیش از ورود به وادی سلوک

نخستین شرط برای شخص سالک تائب بودن است، شخص پیش از پاک کردن قلب با نور توبه نمی‌تواند در وادی خطیر سلوک قدم بگذارد و سیر الی الله ممکن نیست، مگر این که شخص تائب باشد.



نخستین شرط برای شخص سالک تائب بودن است، شخص پیش از پاک کردن قلب با نور توبه نمی‌تواند در وادی خطیر سلوک قدم بگذارد و سیر الی الله ممکن نیست، مگر این که شخص تائب باشد.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، علیرضا خاوری، از شاگردان آیت‌الله‌العظمی غروی علییاری، در سلسله یادداشت‌هایی به موضوع سیر الی الله و منازل و مقتضیات آن پرداخته است. این یادداشت‌ها براساس دیدگاه استاد وی آیت‌الله غروی علییاری تدوین می‌شود و اختصاصاً در اختیار خبرگزاری ایکنا قرار می‌گیرد. پیش از این یادداشتی در ارتباط با توبه با عنوان «توبه؛ بهار قلب» ارسال شده بود که در ادامه آن بحث یادداشت جدید وی را می‌خوانیم:

منزل دوم: توبه

توبه امری الهی بوده و با عنایات حضرت حق توبه قبول می‌شود. با فیض الهی قلب معنوی تطهیر خواهد شد، آن قلبی که شاهد تجلیات حق است، محل نزول رحمت است، آن قلبی که محل تجلیات جلال و جمال و کمال الهی است، همان تجلیات الهی اساس توبه را محکم تر می‌کند. آدمی اگر قاصد توبه باشد هر عملی که انجام داده جنبه الهی داشته باشد می‌تواند با بهره از نور توبه قلب خود را زنده کند. توبه برگشت به خداوند متعال است. توبه یعنی از غیر به حق تعالی رجوع کردن و در ادامه خدا هم بر او برمی‌گردد و در این مرحله توبه تکامل می‌شود. وقتی که قلب تجلیات الهی را مشاهده کرد، توجه به این آیات الهی، با توجهات خاص حضرا حق توبه اش قبول می‌شود و مشمول فیوضات حضرت حق خواهد شد.

انسان پس از ندامت قلبی عزم بر ترک معصیت نموده و به اولین مرتبه از مراتب توبه که همان توبه عام است وارد می‌شود. در این گام توبه از توبه به شخص کمک می‌کند تا شخص بر ستسی خود غلبه کرده و دیگر به گناه باز نگردد. در این مرحله است که انسان به مرتبه جدیدی خواهد رسید که عرفای شریف اسلام از آن با عنوان توبه اوسط یاد می‌کنند. سیر معنوی انسان در مرتبه توبه اوسط خود دارای خواص و ویژگی‌هایی است که در این یادداشت مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

مرتبه توبه اوسط چیست؟

توبه اوسط مرتبه‌ای میان توبه عام و توبه خاص است. آنها که در زندگی قصد کرده‌اند تا به حقایق عالم دست پیدا کنند با تلاش از مرتبه توبه عام عبور کرده و خود را به مرتبه توبه خاص می‌رسانند. توبه اوسط نیز مرتبه‌ای میان این دو است. برای پیشرفت در امر توبه بسیار مهم است که شخص به گناه باز نگردد. در چنین وضعی مشخص می‌شود که انسان عزم خود را به کار گرفته تا به اسرار توبه دست یابد. مرتبه بعدی این است که شخص پس از ترک گناه در هر امر منافع دیگران را همانند منافع خود دانسته و به آن اهمیت بدهد. متأسفانه ما همواره و در همه امور تنها به فکر خودمان هستیم. خانواده خود، زندگی و آینده خودمان، اما آیا در فکر امور دیگران هم هستیم؟ اگر انسان به همین مقدار که در فکر خود و آینده خودش می‌باشد به فکر رفع مشکل دیگران و در فکر قیامت خود باشد به توبه اوسط رسیده است. جناب انسان باید با ارزش نهادن حق الناس از مرتبه توبه اوسط نیز عبور کرده و به توبه خاص برسد.

اموری که در امر توبه جزء همچون موانع عمل می‌کنند را باید از بین برد. تا به حال آیا فکر کرده‌اید چه اموری می‌تواند حائل و حجاب باشند. بین ما و حضرت حق در امر توبه و یا غیر توبه برخی امور موانع هستند و نخواهد گذاشت تا انسان در این عالم نور حق را بدست آورد. برای قدم گذاشتن در وادی سلوک الهی، سیر ربانی، آن موانع را باید از بین برد، تا اینکه شخص به انسان کامل مبدل شود. انسانی که مورد عنایت حق قرار داشته و مشمول فیوضات حق قرار گرفته است. انسان اگر به طور جدی قصد کرده باشد، عازم و جازم باشد گذشته را جبران کند به فیوضات الهی دست پیدا می‌کند. لذا انسان نباید از نعمت‌های منعم، ولی مطلق، صاحب نعمت دوری کند. انسان باید شاکر آن نعمت‌ها باشد تا به توبه اوسط قدم گذاشته و کم کم به اسرار توبه برسد. پس از رسیدن به توبه اوسط و تلاش برای عبور از این وادی رسیدن به لطائف توبه تدریجاً میسر خواهد شد. از این شخص باید بتواند در اصول و فرع اعمال رضایت حق را بدست آورد.

توبه کردن پیش از ورود به وادی سلوک

اول شرط برای شخص سالک تائب بودن است. شخص پیش از پاک کردن قلب با نور توبه نمی‌تواند در وادی خطیر سلوک قدم بگذارد و سیر الی الله ممکن نیست مگر این که شخص تائب باشد. اعمال پیشین و توجه به غیر هرچه بود گذشت. اگر انسان به واسطه توبه بر گردد خداوند متعال نیز راه رسیدن به کمال را برای وی نمایان می‌کند. قلب مرکز تجلیات حضرت حق است و انسان تمام مظاهر حق را بواسطه قلب خود می‌بیند. خود را از تمام گرفتاری‌های قبل از توبه نجات می‌دهد، بواسطه رجوع الی الله از آن اشتباهات و لغزش‌های گذشته نجات پیدا می‌کند، توبه انسان را از گروه مردم غافل خارج کرده و به گروه افراد صالح و مطیع و فرمانبردار وارد می‌کند. نتیجه توبه این است که انسان جزء صالحان می‌شود.

هر گناهی مثل سایر اعمال خلاف کفاره دارد. توبه نیز خود کفاره گناهان است. در اشتباه و در گناه و عصیان ماندن بد است اما خطا کردن و رجوع مجدد به باری تعالی مطلوبیت دارد. واضح است که خطا می‌کند اما در عصیان ماندن بد است. در اینجا از

عصیان رجوع کردن به حق تعالی موضوعیت دارد قلب مرکز تجلیات حق است. برای سالک الی الله، اول شرطش برای رسیدن به تجلیات همان تائب بودن است. انسان تائب در ادامه می‌تواند مظاهر حق را ببیند. نور توبه خوف مضموم را از بین برده و در انسان امید ایجاد می‌کند. دنباله این امر محو سیئات توسط حسنات است. انسان اگر قاصد توبه باشد، به مجرد قصد توبه و عمل توبه، جازم است، قاصد است بر اینکه خلاف‌هایی که مرتکب شده آنها را ترک کند.

قضیه‌ای تاریخی در امر توبه

ملا خلیل قزوینی عالم بسیار بزرگ و با جلالتی بود. این عالم بزرگوار شرحی بر اصول کافی نوشته که شاید در بین شروحنی که تا کنون بر اصول کافی نوشته شده جامع‌ترین باشد. ملا خلیل قزوینی (ره) از شاگردان «میرداماد» و «شیخ بهاءالدین» بوده است. وی در یک جلسه با مرحوم عارف صمدانی ملا محسن فیض کاشانی که او هم شاگرد صدر المتالهین و شیخ بهاءالدین و میر داماد بوده در مساله‌ای باهم به مباحثه پرداختند. در ادامه مباحثه علمی ملا خلیل بر نظر خود اصرار کرد و مرحوم فیض سکوت کرد و از این رو مردم نیز تصور کردند حق به جانب ملا خلیل است. جلسه تمام شد ملا خلیل برگشت به قزوین و مرحوم فیض هم به شهر کاشان برگشت.

ملا می‌گوید: «بعدا که من به کتاب مراجعه کردن دیدم الله اکبر عجب اشتباهی کرده‌ام و حق به جانب ملا فیض بوده است. با خودم گفتم باید از این عمل توبه و جبران مافات کرد و نباید اجازه داد نام شخصیت بزرگی مانند ملا محسن فیض کاشانی در نظر مردم عامه کم اعتبار گردد».

ملا خلیل تصمیم گرفت و از قزوین پیاده به سمت کاشان به راه افتاد. او پس از ورود به کاشان خود را به درب خانه ملا محسن فیض کاشانی رساند. ملا خلیل قزوینی درب خانه را کوبید و ملا فیض را صدا کرد تا از وی دلجویی نمایید. از ملا خلیل گفته است: «ملا محسن مرا بغل گرفت و صورت مرا بوسید. دستم را گرفت و اصرار کرد که مهمان او باشم. اما من گفتم امکان ندارد، فقط آمده‌ام از تو عذر خواهی کنم، به خدا که توبه کرده‌ام، شما هم مرا حلال کنید، من اشتباه کردم، در آن مجلس شخصیت شما پایین آمد همه خیال کردند حق با من است، اما حق به جانب شماست، اما بر خطا و گناه خود اقرار و اعتراف می‌کنم».

ملا خلیل قزوینی شبانه پای پیاده به قزوین برگشت و سختی پیمودن این راه طولانی با پای پیاده هرگز او را از این سفر منصرف نکرد. وی روز بعد با وجود آن همه شهرت و اعتبار خود در شهر قزوین به دیگران اطلاع داد که در مباحثه حق با ملا محسن بوده و اینگونه خطای خود را جبران کرد از این رو وی در امر توبه به درجات بسیار رفیع نائل شد. در پی این تحول ملا خلیل قزوینی (ره) به آن مقامات عالی و تجلیات ربانی نائل گشت و نام وی نیز به عنوان یکی از عرفای شریف اسلام بر صفحه تاریخ ماندگار شد.

علیرضا خاوری

لازم به یادآوری است مطالب ارائه شده در این یادداشت بر گرفته از کتاب شریف «سلسله دروس سیر وسلوک الی الله» تالیف آیت‌الله‌العظمی غروی علیباری بوده و نسخه انگلیسی این کتاب با نام Lessons of Mysticism in the Shia School of Islam شناخته می‌شود.